

اولین بار ایشان را در نخستین روزهای سال ۱۳۷۸ دیدم، در جریان بیست و سومین مسابقه دانشجویی ریاضی کشور که در دانشگاه صنعتی شریف برگزار می‌شد. زمانی که من دانشجوی سال سوم کارشناسی و عضوی از تیم دانشگاه شهید بهشتی در آن مسابقه بودم. خانم میرزاخانی نفر اول مسابقه سال پیش از آن بودند و در مسابقه آن سال شرکت نداشتند. من سعادت آشنایی نزدیک با ایشان را نداشته‌ام و تنها وصفشان را از دوستان مشترک یا استادان مشترک با واسطه شنیدم. برای من دست‌کم از سه وجه خانم دکتر میرزاخانی نمونه‌ای درخشان، تاریخی و تحسین‌برانگیز از قدرت و اراده بشری است.

نخست اینکه او در جامعه‌ای بالید و سرآمد زنان و مردان عصر خود شد که زنان در آن عملاً جنس دوم بوده‌اند. او اولین و تاکنون تنها زن برنده مدال فیلدز در تاریخ ریاضیات است. ریاضیات، این انتزاعی‌ترین دانش‌ها که تنها صاحبان اذهان درخشان به آن روی می‌آورند و اغلب گفته می‌شود زنان نه در آن توانایی چندان دارند و نه خود به آن راغباند. مریم میرزاخانی برهان قاطع ابطال این تصورات و کلیشه‌هاست و از دیگر سو چه بسا نام او در آینده مایه کاستن از حجم این محرومیت‌ها و محدودیت‌ها نیز باشد.

وجه دوم، سبک زندگی علمی کنظیر اوست، تمرکز طولانی مدت بر یک پروژه واحد در بالاترین سطح تحقیقات ریاضی و انتشار مقالات کم‌شمار اما بینهایت عمیق و تأثیرگذار. این صفتها دقیقاً همان‌هاست که در جامعه علمی امروز ما کمیاب بل نایاب‌اند. اگر تا پیش از شهرت عالمگیر خانم میرزاخانی برخی از کاسبان دانش می‌توانستند به شعبده آمارهای فریبنده‌ای چون تعداد مقالات و تعداد ارجات و غیره خود را در شمار دانشمندان برتر جهان جابزنند، پس از طلوع این گوهر درخشان چنین معیارهای نادرستی حتی نزد توده‌های مردم هم بی‌ارزش شده است. تحقیق در موضوعات اصیل و تراز اول، نه تعمیم‌های من‌درآوردی مبتذل، مقالات بسیار عمیق و تأثیرگذار و بالاخره تعداد اندک و معقول آنها باید چراغ راه پژوهشگران و سیاستگذاران پژوهشی ما باشد.

در نهایت، وجه سوم آن گونه که من می‌فهمم، زهد علمی بی‌نظیر این دانشمند بزرگ بود. شاید هرکس دیگری با داشتن کسری از افتخارات و جایگاه بلند او، به یک چهره رسانه‌ای تبدیل می‌شد که هر روز در هر موردی به اظهارنظر می‌پردازند. وضعیتی که همه ما از سوی آدمهای متوسط‌الحال ولی پرسخن به طور مداوم شاهد آن هستیم. این سلوک ویژه در میان خود ریاضیدانان و حتی دیگر برندگان مدال فیلدز هم نادر است. شاید بتوان زندگانی اسپینوزا را به عنوان نمونه‌ای دیگر از این شیوه زاهدانه مثال زد، فیلسوف برجسته هلندی قرن هیجدهم که از قضا او نیز به سبک و روش ریاضی‌دانان حکمت خود را عرضه کرده است.

خانم میرزاخانی به این دلایل و دلایلی بیشتر و علی‌رغم عمر بسیار کوتاه‌اش برای همیشه در حافظه این ملت ثبت شده و نگین درخشان تاریخ علمی ایران عزیز خواهد بود.

«هزار سال آسمان و اختران را در مدار و سیر به شیب و بالا جان باید کندن، تا از این آسیابک، دانه‌ای درست چون عمرخیام بیرون افتد.»

بیژن احمدی کاکاوندی

عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی

ویژه نامه زنده یاد مریم میرزاخانی، مجله رشد آموزش ریاضی، شماره ۱۲۷، صفحه ۷۳